

جوانان کمونیست ۸۷

نشریه سازمان جوانان کمونیست

۵ اردیبهشت ۱۳۸۲

۲۵ آپریل ۲۰۰۳

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



زنده باد اول ماه مه

تظاهرات بهشهر: این ما بودیم!

هفته قبل کارگران چیت سازی بهشهر و در حمایت از آنها دهها هزار مردم شهر برای گرفتن مرزهای معوقه و بر علیه جمهوری اسلامی به خیابان آمدند. اگر نظیر این حرکت در تهران رخ میداد چه بسی فاتحه رژیم اسلامی خوانده شده بود. نامه ای که برای یکی از سایت ها (پیک ایران) ارسال شد، تصویر زنده ای از این تظاهرات میدهد:

"... من یک پسر ۱۸ ساله هستم از بهشهر. نه پدرم کارگر چیت سازی است و نه مادرم و نه دیگر اعضای فامیلم. اگر شما طی چند روز گذشته اینجا بودید با سه خط (خبر) کار را تمام نمی کردید. (اشاره به خبر همین سایت در روز پنجشنبه است) کار مردم آقدر بد شده که توی خیابانهای اصلی شهر میگویند: توپ تانک فشفشه فرماندار... (یک فحش رکیک) حتی به آقای رحمانی نماینده شهر در مجلس میگویند: رحمانی بیعرضه برگرد برو تو حوزه! و به جابری اما جمعه بهشهر و نماینده ولی فقیه در استان میگویند: جابری ضد دین... (سه نقطه در اصل است. وقتی که ۵ تا اتوبوس سرباز ضد شورش از شهرهای دیگر میاورند و با گاز اشک آور و باتون به کوچک و بزرگ حمله میکنند، شما راحت سکوت



میکنید. مردم بهشهر تا یکشنبه به مسئولین فرصت داده اند که پول کارگران را بدهند که اگر ندادند بهشهر به خوزین شهر تبدیل خواهد شد. تذکر: کارگران ۲۵ ماه حقوق و ۵ سال عیدی نگرفته اند. در تظاهرات همه مردم شرکت داشتند." (اخبار مشروح را میتوانید در سایت "روزنه" و یا "کارگران" دنبال کنید).

حکومت بهشهر بروز جنبش ما بود. حتی اگر یک کمونیست هم در آن دخیل نموده باشد، این جنبش کمونیسم کارگری با روش ها و راه حل های خودش بود. این حرکت پاسخ عملی بود به کسانی که میگویند مردم چشم انتظار پیشینند تا آمریکا بیاید نجاتشان دهد. این حرکت پاسخ تمام کسانی بود که میگویند پس کمونیسم کو؟ این حرکت راه رهایی از شر جمهوری اسلامی را به همه نشان داد. آیا اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت (روز جهانی کارگر) امسال فرصتی برای بهشهری شدن سراسر ایران نیست؟ چرا هست و این همت کارگران و کمونیستها و هزاران دختر و پسر نظیر "پسر ۱۸ ساله بهشهری" را می طلبد.

اینجا چی میگنره؟! نامه پرنیان از ایران

با سلام و خسته نباشید. گزارشی در مورد اتفاقات روزمره که مردم بهش عادت دارن و اونو جزلاینفک زندگیشان میاونن. اینجا چی میگنره؟ هر لحظه یه فاجعه ی انسانی روی میده و رمق رو از آدم میگیره بوی رخوت و بی تفاوتی همه جا رو گرفته؛ خیلی وقتها به خودت هم شک می کنی؛ از اون شور و شوقی که موقع جنگ بین مردم بود و مردم امید داشتند آمریکا سرنوشتشونو عوض کنه نیز خبری نیست؛ همه رفتن تو لاک قدیمی؛ کاش فقط همین بود حالا خود مردم نیز به اهرمی قوی در خدمت چرخه ی ارتجاع و کهنه پرستی تبدیل شده اند؛ بدون اینکه بخوانند. تنها قشری که بیش از همه دلت رو آب میکنند جوانها هستند؛ تنهایی اونها قلبت رو به درد می آورد. ناامیدکننده تر از همه چی پروری صفحه ۹

جنگ، آمریکا، عراق، ایران



حمید تقوایی

پس از آنرا نظم نوین جهانی مینامند. یعنی در واقع تجدید آرایش سیاسی جهان یک قطبی بود بر خودسری و فعال مایشائی و افسار گسیختگی دولت آمریکا در

جوانان کمونیست به نظر شما تاثیرات جنگ اخیر عراق و "تعویض رژیم" توسط آمریکا چه تاثیری بر سیاست جهانی دارد؟

حمید تقوایی: اولین نتیجه این جنگ سنگین تر شدن وزنه آمریکا در سیاست جهانی است. آمریکا با این جنگ میخواست قدرقدرتی خود را به رخ دنیا بکشد و به همه نشان بدهد که فارغ از تعهدات و قوانین و قراردادهای بین المللی برای تامین منافع خود هر چه خواست میکند. جنگ عراق، از زمینه های شروعش تا خود پروسه جنگ و خاتمه اش، شاهدی بود بر خودسری و فعال مایشائی و افسار گسیختگی دولت آمریکا در



بازگشت به وحشیگری؟ نه! یک دنیای بهتر!

اربعین حسینی در سه شنبه گذشته در کربلا قدرتمندی خرافه، وحشیگری و اسلام بود. زنان محجبه، بردگان اسلام، آدمهای مسخ شده ای که زمین را می بوسیند، کسانی که بنده وار دست به آسمان بلند کرده، ورد میخوانند، گریه میکردند، بر سینه خود میکوفتند، با زنجیر خود را آزار میدادند، قهه میزدند و نعره میکشیدند، یک مارش میلیونی انجام دادند. انسان یک چند هزار سالی به عقب برگشته بود. در آنسو سربازان چشم و چراغ تمدن سرمایه داری معاصر (آمریکا) در کنار ویرانه های ناشی از ۱۸ هزار بمب و موشک از وزارت نفت عراق سالم به جا مانده بدقت پاسداری میکردند. کمی دورتر آدم کشان ابله پنتاگون و کاخ سفید سرشان را میخارانند که "باور نمی کردیم ملاها اینقدر سازمان یافته باشند". به جمهوری اسلامی هشدار دادند که موش نداوند و به تکاپویشان

اربعین حسینی در کربلا سه شنبه ۲۲ آوریل ۲۰۰۳

شدت دادند تا از میان ملاهای شیعه برای خود همکاری پیدا کنند... بیچاره مردم عراق از صدام و امام حسین و بوش چه که نمی کشند. همه خبرها از عراق چنین وحشتناک نبود. در هفته گذشته حزب کمونیست کارگری اعلام کرد که دفاترش را در بغداد و سایر شهرهای عراق گشوده است. بی شک آزادیخواهان، سکولارها، کارگران و کمونیستها برای نجات عراق به میدان خواهند آمد. و باید با جارو کردن حکومت اسلامی در ایران به کمک آنها شتافت. مردم ایران وقتی صحنه های وحشتناک اربعین حسینی را با آب و تاب ویژه صدا و سیما دیدند، صبار بیشتر عزم جزم کردند که باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، صد بار بیشتر دریافتند که امید بستن به آمریکا و نظم نوین نه فقط واهی که درست خلاف جهت عطش آنها برای یک زندگی بهتر است. اربعین حسینی کربلا نشان داد که کمونیستها یک میلیون بار حق داشتند!

صفحه ۶

* نامه های شما - بهرام مدرسی

* درسهایی از سرنوشت مجاهد - علی جوادی صفحه ۵

* سینا مطلبی باید آزاد شود - نادر بکتاش صفحه ۹

* منشور آزادیخواهی تحکیم - مصطفی صابر صفحه ۳

آزادی، برابری حکومت کارگری!

جنگ، آمریکا، عراق، ایران

گفتگو با حمید تقوایی

اکنون با پیروزی نظامی در عراق استراتژی نظم نوین جهانی و تاکتیک حمله پیشگیرانه در سیاست خارجی آمریکا کاملا دست بالا را پیدا کرده و به یک خط مسلط تبدیل شده است. اما این هنوز به معنی پیروزی کامل این خط و تحقق جهان یک قطبی مورد نظر آمریکا نیست. آمریکا در عراق از لحاظ نظامی پیروز شد، اما از نظر سیاسی امتیازی بدست نیاورد و همه چیز نشان میدهد که تجربه عراق در واقع یک شکست سیاسی برای آمریکا خواهد بود. دلایل تبلیغی - دیپلماتیک جنگ نظیر "خلع سلاحهای کشتار جمعی" و "صنوبر دموکراسی به عراق" و غیره امروز، بعد از جنگ، بیشتر از پیش پوچی خود را به همه نشان داده است. از سوی دیگر سر بلند کردن دستجات بانسبای مذهبی و قومی در عراق نظیر شیعیان جنوب، ناسیونالیستهای بعثی وفادار به صدام، ناسیونالیستهای کرد و غیره آینده سیاهی را برای جامعه در چشم انداز قرار میدهد که مسئول مستقیم آن دولت آمریکاست. و این کاملا از قبل قابل پیش بینی بود. ما همیشه اعلام کرده ایم که معنی واقعی و عملی نظم نوین جهانی، علیرغم هر نقشه ای که تنوکسرواتیهای فوق ارتجاعی آمریکایی در سر داشته باشند، هرج و مرج و آناشی و تحقق سناریوی سیاهی است که اسلام سیاسی و قومی گری و ناسیونالیسم منحط بازیگران اصلی آن خواهند بود. و امروز در عراق در برابر چشمان همه این تراژدی دارد اتفاق میافتد.

جوانان کمونیست: فکر میکنید

قدم بعدی "نظم نوین جهانی" چه باشد؟ دنیا را بکدام سو می برد؟

حمید تقوایی: قاعدتا حیات حاکمه

آمریکا تلاش میکند محصول جنگش در عراق را درو کند. آمریکا انتظار دارد اروپای واحد و چین و روسیه را رام کند و بدنبال خود بکشد، مساله فلسطین را با نسخه دلخواه خودش "حل" کند و در خاورمیانه، به مدل کشورهای آمریکای لاتین، "نظم و آرامش" برقرار کند و در یک کلام "نظم نوین" مطلوب خود را بر جهان حاکم کند. این نقشه ایست که آمریکا برای دنیا کشیده است و اکنون پس از پیروزی در جنگ عراق، که اساسا بهمین منظور برپا کرده بود، در پی عملی کردن گام بگام آنست.

اما، چنانکه اشاره کردم، تاریخ آنطور که استراتژیستهای آمریکایی در مخیله خود پرورده اند پیش نمیروند. نتیجه عملی این سیاست از یکسو حاکم کردن زور و میلیتاریسم بر مناسبات بین المللی و روابط دولتهاست و از سوی دیگر تقویت جریانات مافوق ارتجاعی قومی و مذهبی و ناسیونالیستی در مناطق مختلف جهان و ایجاد هرج و مرج و از هم پاشیدن جوامع، نظیر

آنچه امروز در عراق شاهد آنیم. استراتژی نظم نوین جهانی در واقع نسخه ایست برای به قهقرا بردن دنیا و نشان دادن توحش بجای مدنیت.

جوانان کمونیست: چگونه میشود جلوی چنین تصویری ایستاد؟ چطور میشود از بشریت در برابر نظم نوین سرمایه داری جهانی دفاع کرد؟

حمید تقوایی: جواب در یک کلمه سوسیالیسم است. آنچه امروز شاهدیم شوره افسار گسیختن سرمایه داری رقابت آزاد پس از خاتمه جنگ سرد است. سرمایه داری مدل غرب سرمایه داری دولتی مدل شوروی را شکست داد و یک تاز میدان شد و حالا آمریکا دارد بعنوان نماینده شایسته و لایق جهان یکپارچه شده سرمایه داری کثافت "دموکراسی" و "آزادی" به روایت سرمایه را برای همه معنی میکند.

شوروی ربطی به ایده های انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه مارکس و لنین نداشت، اما همراه با دیوار برلین انسانیت و آزادی و برابری را نیز کوبیدند و بخاک کشیدند. نتیجه سیاسی این سیر قهقرائی در دنیای بعد از جنگ سرد فعال مایشائی راست ترین و ارتجاعی ترین دکترینها در سیاست آمریکا و کلا جهان غرب و رشد نیروهای قرون وسطائی ناسیونالیستی و مذهبی و قومی و نژادی در بسیاری از کشورهای آفریقائی و آسیائی و حتی در دل اروپا بود. برای مقابله با این دنیای سیاه باید بشریت را به تاریخ برگرداند. جهان متمن این توحش را نمیبیند و تحمل نمیکند. اعتراض ده ها میلیون مردم دنیا علیه جنگ گوشه ای از این واقعیت را به همگان نشان داد. وقتی با فروریختن دیوار برلین استراتژیستهای سرمایه داری بازار آزاد پایان تاریخ و مبارزه طبقاتی و مرگ چپ و کمونیسم را اعلام کردند تنها کوتاه بینی و بلاهت خودشان را بنمایش گذاشتند. امروز سرتاپای دنیای نظم نوینیشان این واقعیت را فریاد میکند که تنها امید بشریت سوسیالیسم است. که تمدن، انسانیت، آزادی و برابری را چپ و کمونیسم نمایندگی میکند و تنها پاسخ در برابر این توحش افسار گسیخته، درم کوبیدن نظام سرمایه داریست. جنگ آمریکا در عراق این واقعیت را روشن تر و برجسته تر از همیشه در برابر چشم همگان قرار داد.

جوانان کمونیست: چشم انداز سوسیالیسم و انقلاب کارگری را چطور می بینید؟

حمید تقوایی: روشن است که انقلاب کارگری دفعتا و همزمان در سراسر دنیا اتفاق نیافتد. زمینه های این انقلاب و مبرمیت و ضرورت آن جهانی و سراسری اند اما کشورهای مختلف شرایط مشخص سیاسی متفاوتی دارند. پیش شرط انقلاب کارگری نقد - نقد به معنی دقیق و جامع کلمه - دنیای سرمایه داری آغاز قرن بیست و یک است. نقد دموکراسی و ناسیونالیسم غربی و سرمایه

داری بازار آزاد، نقد مذهب و ناسیونالیسم و قومی گری و نژادپرستی، یعنی گرایشات و جنبشهای عتیق ارتجاعی که ارتجاع "ملرن" سرمایه داری قرن بیست روح جدیدی در کالبد آنها دمیده و دوباره آنها را بجلوی صحنه سیاست رانده است؛ و بالاخره نقد دکترینهای سیاسی-میلیتاریستی خود سرمایه داری غرب نظیر نظم نوین جهانی و "حمله بازدارنده" و "آنتی تروریسم". اینها همه اجزاء مختلف یک نقد جامع کمونیستی بر جهان امروز است. منظور من از نقد صرفا مقابله نظری با این جریانات نیست، بلکه مقابله همه جانبه اجتماعی و سیاسی با آنها، نقد سیاسی-اجتماعی، آنهاست.

آیا این مقابله ممکن است؟ آیا خیالپردازی نمیکند؟ به نظر من بر خلاف آنچه در نگاه اول به نظر میرسد شرایط جهانی به نفع چپ در حال تغییر است. ظاهر قضایا چنین است که دوران یک تازی و سلطه بلامنازع آمریکا و سرمایه داری بازار آزاد بر جهان فرا رسیده و بر همه چیز سایه انداخته است، اما با کمی تعمق، وقتی در یک سطح عمیق تر و پایه ای تر به دنیا نگاه کنید، این واقعیت را میبینید که در ورای عریضه کشیهای سرمایه رقابت آزاد، اردوی انسانیت و مدنیت مشغول بازیافتن خود و دست بردن به نقد رادیکال سوسیالیستی بر جهان امروز است. نسل جوان امروز، که در صفوف میلیونی علیه جنگ در پیش از شصتد شهر جهان در یک روز بمیدان آمد خاطره چندانلی از دوران جنگ سرد ندارد، آزادی و برابری و رفاه میخواهد و بدهکار توده شوروی نیز نیست. همین طور توده کارگرانی که در اروپا و آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر جهان علیه جنگ صراحتا موضع گرفتند و به خیابانها آمدند. امری که حتی در اوج جنبش ضد جنگ ویتنام در دنیای چپ دهه شصت نیز اتفاق نیافتاد. این جوانان و این نسل کارگران، مارکس و رادیکالیسم و اومانیزم ماکسیمالیستی مارکس را میطلبند. نقد همه جانبه ای را میطلبند که منصور حکمت پرچمدار آنست و کمونیسم کارگری آنرا نمایندگی میکند. امروز نه تنها برابری و لغو استثمار نظام کار مزدی بلکه بحکم شرایط عینی جهان امروز امر آزادی و رهائی و مدنیت در هر سطحی، خلاصی از شر مذهب و قومی گری و ناسیونالیسم و نژادپرستی و میلیتاریسم و تروریسم دولتی و غیر دولتی، همه بدوش ما کمونیستها قرار گرفته است. کوهی از کار در عرصه ای بوسعت تمامی جهان در برابر ماست. اما برای ما نیز حلقه اصلی خاورمیانه است. در ایران و عراق ما متشکلمیم و حزب خودمان را داریم و هر دو این کشورها امروز در چشم توفان قرار گرفته اند. اگر ما بتوانیم در این دو کشور انسانیت و برابری و آزادی و رفاه را در مقابل توحش سرمایه داری به پیروزی برسانیم این نقطه عطفی در سیر تاریخ معاصر خواهد بود و توازن قوا را در سراسر دنیا به نفع سوسیالیسم تغییر خواهد داد.

جوانان کمونیست: تاثیرات منطقه ای جنگ اخیر به نظر شما چیست، سرنوشت خود عراق چه میشود؟

حمید تقوایی: مساله محوری امروز عراق مساله حاکمیت در آن کشور است. یک ابر قدرت ارتجاعی، آمریکا و موافقینش، یک قدرت ارتجاعی دیگر را در یک کشور سرنگون کرده است. و در نتیجه این سؤال در برابر جامعه عراق و مردم دنیا قرار گرفته است که حکومت بعدی عراق چه نوع حکومتی است و چطور باید تعیین شود؟ سناریوی مطلوب آمریکا برقراری "دموکراسی" در عراق است. یعنی حکومتی از نوع دموکراسی های نوع آمریکای لاتین و یا نوع خاورمیانه ای عربستان سعودی و کویت و اردن. دموکراسی نوع کار ارزان و کارگر خاموش. این پاسخ نظم نوینی به مساله حکومت در عراق است که آمریکا امیدوارست آنرا به سراسر خاورمیانه تسری بدهد. اما تا رسیدن به چنین حکومتی فرارست یک حکومت نیمه نظامی نیمه پنتاگونی و تماما منصوب شده از جانب آمریکا عراق را اداره کند.

این حکومت موقت ارتجاعی در برابر خود نیروهای ارتجاعی بومی، شیعیان و بازماندگان بعث و ناسیونالیسم عرب و سران قبیله و عشایر و جانوران سیاسی از اینقبیل، را بسیج و فعال خواهد کرد و آینده بسیار سیاهی را برای جامعه عراق تدارک خواهد دید. بوجود آمدن این وضعیت، که در این جنبش را از هر سناریوی دیگری است، کل خاورمیانه را دستخوش بی ثباتی و آشوبزدگی ای بیش از آنچه اکنون هست، میکند. همانطور که در بالا اشاره کردم تنها نیروهای چپ و سوسیالیست، و مشخصا در ایران و عراق احزاب کمونیسم کارگری، انسانیت و آزادیخواهی را در مقابل کل این وضعیت، چه سناریوی فوق ارتجاعی "نظم و آرامش" آمریکائی و چه سناریوی سیاه مذهبی-قومی-ناسیونالیستی، نمایندگی میکنند. آینده عراق و کل منطقه تماما به عروج و گسترش نفوذ و قدرت اجتماعی چپ مشخصا در خود عراق و ایران و کشورهای منطقه و در یک سطح عمومی تر در کل جهان گره خورده است. و واقعیات نشان میدهد که زمینه های عینی عروج چپ در سطح جهانی فراهم است.

جوانان کمونیست: تاثیر کل این وقایع بر سرنوشت جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ حالا "بحران جمهوری اسلامی" چگونه حل خواهد شد؟

حمید تقوایی: بحران جمهوری اسلامی، برخلاف مورد عراق، مخالفت آمریکا با این رژیم نیست، مخالفت فعال و وسیع مردم با آنست. در ایران یک جنبش قدرتمند سرنگونی وجود دارد و در این جنبش آزادی و برابری و رفاه و مدرنیسم و مدنیت، به حکم شرایط عینی و اجتماعی شکل گیری این جنبش، و به لطف حضور و فعالیت حزب ما، از نفوذ و پایگاه وسیعی برخوردار است. این شرایط صورت مساله ایران را کاملا از عراق متمایز میکند.

ملتهاست که جمهوری اسلامی با مساله مبرم مقابله با جنبش سرنگونی و بقای خود روبروست و همه اجزاء سیاست داخلی و خارجی رژیم از جمله رابطه با آمریکا تحت تاثیر این واقعیت است. بنابراین وقتی از تاثیرات جنگ عراق بر ایران صحبت میکنیم باید قبل از هر چیز نتایج این جنگ و پیامدهای آنرا بر جنبش سرنگونی بررسی کنیم. وضعیت و موقعیت رژیم جمهوری اسلامی تابعی از سیر این جنبش خواهد بود. جنگ عراق تاثیر دوگانه ای بر جنبش مردم ایران داشته است. از یکسو در اذهان مردم سناریوی "تغییر رژیم بوسیله آمریکا" امکان پذیر و محتمل شده است و در همانحال از سوی دیگر با فجایعی که جنگ و پیامدهای آن در عراق بیار آورده است و خواهد آورد ماهیت ضد انسانی و جنایتکارانه این سناریو بر بخش وسیعی از مردم ایران روزبروز بیشتر آشکار میشود. به نظر من در یک سطح عمیقتری تجربه جنگ عراق حتی مطلوبیت دموکراسی آمریکائی و نظام اجتماعی و اقتصادی بازار آزاد که آمریکا نمایندگی میکند را برای مردم به زیر سؤال برده است. مردم متوجه میشوند که سیاستهای دولت آمریکا نه تنها هیچ ربطی به آزادی و رفاه و پیشرفت و مدرنیسم ندارد، بلکه عین ارتجاع و توحش است. و این در پایه ای ترین سطح زمینه تعمیق و رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر جنبش سرنگونی و گسترش نفوذ و قدرت چپ در این جنبش را بوجود میآورد. از این نقطه نظر جمهوری اسلامی از جانب مردم تحت فشار بیشتری قرار خواهد گرفت.

تا آنجا که به رابطه رژیم با آمریکا مربوط میشود نیز پیروزی و حضور نظامی آمریکا در عراق موقعیت رژیم را تضعیف کرده است. نه به این خاطر که بعد از عراق آمریکا به ایران حمله نظامی خواهد کرد. احتمال این امر بسیار کم است و موانع سیاسی، از جمله بویژه وجود جنبش وسیع سرنگونی طلبی در ایران، و حتی موانع نظامی متعددی وجود دارد که حمله به ایران را برای آمریکا چندان مقرون به صرفه نمیکند. آمریکا در شرایط حاضر ترجیح میدهد از ثمرات سیاسی جنگ در عراق برای ایجاد تغییرات مطلوبش در رژیم ایران استفاده کند. همچنانکه در کل خاورمیانه، حتی در رابطه با سوریه و فلسطین نیز، همین سیاست را تعقیب میکند.

جنگ عراق موقعیت رژیم ایران را قبل از هر چیز و اساسا بخاطر ضد آمریکائی گری و هویت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، که مخالفت با شیطان بزرگ یک رکن آنست، زیر سؤال میبرد و به آن ضربه میزند. کشمکش جدیدی که با شروع جنگ عراق در میان جناحهای رژیم بر سر رابطه با آمریکا بالا گرفته است و برخورد کاملا محتاطانه و دیپلماتیک رهبر و جناح ظاهرا ضد آمریکائی حکومت به مساله حمله نظامی آمریکا به عراق همه نشاندهنده

در باره "منشور آزادیخواهی" تحکیم وحدت



مصطفی صابر

اخیرا منشور زیر در سایت امیرکبیر (وابسته به "تحکیم وحدت") ظاهر شد: "منشور آزادیخواهی انجمن اسلامی

دانشگاه هرمزگان
اصل ۱- آزادی حق خدادادی هر انسان در رها زیستن از قیود است و مرزی ندارد مگر آنجا که آزادی دیگران را محدود نماید.

اصل ۲- اندیشیدن در هر موردی از حقوق طبیعی انسانهاست و مرزی برای آن وجود ندارد.

اصل ۳- انسان در بیان کلیه اندیشه هایش آزاد است و هیچ مرزی در بیان آنها وجود ندارد. معیار ارزش گذاری بر روی اندیشه های بیان شده توسط افراد هنجارهای جامعه است.

اصل ۴- عمل کردن انسان در راستای اندیشه اش مرزی ندارد، مگر آنجا که آزادی اندیشه، بیان و یا عمل دیگران را محدود نماید.

اصل ۵- هنجارهای جامعه برای همه افراد محترم می باشد و اگر هنجاری با اندیشه های فردی تعارض داشت، حق بیان اندیشه ها و عمل کردن به آنها در شرایط اصل ۳ پابرجاست.

اصل ۶- هیچ حاکم یا دستگاهی را حق حکومت کردن بر مردم نیست، مگر اینکه برگزیده از سوی مردم باشد. اصل ۷- حدود دخالت حکومت در سرنوشت انسانها تنها در اجرای قوانین است و قوانین عبارتند از هنجارهای جامعه.

اصل ۸- هر انسان در گزینش جهان بینی و نگرش خود به جهان آزاد است و هیچ شخصی حق ندارد به صرف داشتن عقیده ای فردی، انسان دیگری را محدود یا سرزنش نماید.

اصل ۹- ادیان نگرش فردی هر شخص را به جهان نشان میدهند.

چند ملاحظه مقدماتی:

هرکس که نام "انجمن اسلامی" را بر صدر این منشور ببیند بلافاصله خواهد گفت، که حتی زیبا ترین کلمات در باره آزادی زیر چتر اسلام و مذهب پوچ است. بیش از آن ریاکاری است. بنا بر این اگر نویسندگان منشور فوق ذره ای آزادیخواهی داشته باشد، یا حتی اگر بخواهند کسی آنها را جدی بگیرد، اولین کارشان اینست که مذهب و اسلام را در سیاست و برنامه و اسم و هویت تشکل و سازمان و انجمن شان کنار بگذارند.

تحکیم وحدت مدتهاست که در دانشگاه و نزد دانشجویان اعتباری ندارد و اگر هنوز مجلس ترحیم رسمی برای آن برگزار نمی شود صرفا به دلیل حاکمیت جمهوری اسلامی است. این "شهید زنده" در عین حال میکوشد مخالفت خوانی هایش را تند تر کند، میکوشد چنین جلوه دهد که از حکومت فاصله گرفته است تا شاید وجه ای کسب

مفهوم ازلی و ابدی (و یا بدتر "حق خدادادی") اولین حلقه در قالب کردن آزادی به مفهوم محدود بورژوازی آن به "خلق الله" است.

اصل ۲: عبارت پردازی است. اندیشیدن در هر موردی "بهر حال مثل خوردن و نفس کشیدن عمل طبیعی انسان است. کسی هم نمی تواند جلوی آنرا بگیرد، مگر اینکه جان انسان را بگیرد. محدودیت، و در نتیجه حق، از آنجا شروع میشود که این اندیشه بیان میشود و یا رواج داده میشود. نکته ای که موضوع اصل ۳ است.

اصل ۳: انسان در بیان کلیه اندیشه هایش آزاد است و هیچ مرزی در بیان آنها وجود ندارد. درست، اما در عمل آزادی من در بیان کلیه اندیشه هایم از مثلا لری کینینگ سی ان ان بطور غیر قابل قیاسی محدود تر است. همینقدر هم خوب است که "حق" فردی من و لری کینینگ مطابق قوانین ایالات متحده یکی است. اما خارج از "حقوق"، در دنیای واقعی، مرزهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی برای بیان اندیشه وجود دارد. وقتی خوب نگاه میکنید می بینید که اندیشه های معینی در جامعه (مثلا آمریکا) آزادترند، پول پیششان هست، قوانین دولت پشتیبان هست، اساتید دانشگاهها و روزنامه نگاران و نویسندگان پشت شان هستند.

برخی اندیشه ها هم هرروز دارد تخفیف میشود، علیه شان شانتاژ و دروغ رواج داده میشود و نه صاحب کارخانه ای از آنها حمایت میکند و نه صاحب سی ان ان. ظاهرا جمله بعدی اصل سوم باید جواب این معضل را بدهد: "معیار ارزش گذاری بر روی اندیشه های بیان شده توسط افراد هنجارهای جامعه است." ولی سوال اینست که این هنجارهای جامعه را کی تعیین میکنند؟ خود جامعه؟ ولی چه کسی صاحب افکار مسلط بر جامعه است؟ چه کسی آنها را شکل میدهد؟ باز به همان جای اول میرسیم: کسانی که امکانات دارند، روزنامه و تلویزیون و قلمرو پول دارند. در یک کلمه طبقه مالک، طبقه سرمایه دار. این طبقه طبقه با اصل ۳ این منشور مشکلی ندارد. چرا که درک او کام از آزادی است که در قالبی ظاهرا عام و جهانشمول عرضه شده است. اما من کمونیست، من کارگر، من آزادیخواه با آن مشکل دارم. آنرا ناکافی، دروغین و ریاکارانه میدانم.

اصل ۴- جمله اول، "عمل کردن انسان در راستای اندیشه اش مرزی ندارد"، دیدیم که در واقعیت اتفاقا چه مرزهای واقعی و قلمرو قلمری هم دارد. جمله دوم اصل ۴ قرار است که اصل سوم را از لحاظ حقوقی هم چنان آب بندی کند که هیچ مجالی برای آدم واقعی جامعه نگذارد. "مگر آنجا که آزادی اندیشه، بیان و یا عمل دیگران را محدود نماید." یک مثال: اندیشه من میگوید که بردگی مرزی، استثمار و بهره کشی انسان از انسان منشاء بدبختی های بشر و از جمله اختناق و سرکوب است. عمل من علیه بردگی مرزی طبقه موافق طبقه آقا یا خانم

آزادی در استثمار بشر

اصل یک: آزادی "حق خدادادی" (حال از این تعبیر عامیانه آخوندی "خدادادی" که بگذریم) "هر" انسان نیست. یک رابطه سیاسی و اجتماعی بین انسانهاست و مفهومی تاریخی است. در هر دوره تاریخی آزادی یکجور معنی شده است. اتفاقا و دست بر قضا همیشه، و از جمله در دوره معاصر، "حد و مرز" داشته است. در خود همین "اصل یک" هم مرز "آزادی دیگران را محدود نکند" بر آن گذاشته شده که بعدا به مفهوم واقعی اش خواهیم رسید. خارج کردن آزادی از چهارچوب تاریخی اجتماعی و تبدیل کردن آن به یک

سرمایه دار نیست. "اندیشه" ایشان، برعکس، میگوید که کار مزدی و استخدام یک مشت بیچاره فقیر و گرسنه حتی ثواب هم دارد. "یک نانی در دامن آنها میگذارد". خوب تکلیف چیست؟ کلامیک از ما دو نفر دارد "آزادی" آن دیگری را محدود میکند؟ چه کسی "حق" دارد؟ چه کسی "هنجار" است و چه کسی "ناهنجار"؟ می بینید که مقوله آزادی را وقتی از آن حالت هیروتی و پرطمطراق لیبرالی و حقوقی اش به زمین بیاوریم سرانجام به اصل اساسی جامعه حاضر یعنی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید برخورد میکند. جامعه ای که بر مبنای حاکمیت مالکیت خصوصی، سرمایه، خرید و فروش نیروی کار و پول بنا شده است، "بطور طبیعی" حق را به مالک و سرمایه دار میدهد. در این چهارچوب، در بهترین حالت من اجازه اعتصاب دارم و من میتوانم بر سر چگونه برده ای بودن چک و چانه بزنم (که البته باز خیلی خوب است) اما اگر اصل بردگی مزدی را قبول نکنم، اگر کارخانه و سرمایه طرف را مایلک عمومی بدانم، اگر در این راستا "عمل" کنم، حکم اعدام دارم، "شورشگر" و "وحشی" و بدتر از این هم هستم، و در پیشگاه عادلانه ترین دادگاه لیبرالی هم "آزادی دیگران را محدود کرده ام" و حبس های سنگین و جلدی در انتظارم است.

اصل ۵: میکوشد درست همین نکته اخیر را ماستمالی کند. اگر شما مخالف "هنجار" بودید، تا آنجا آزادی اندیشه و عمل به آنرا دارید که آزادی دیگران را محدود نکنید. باز ما را جای اول برمیگرداند و دوباره تکرار اصل لیبرالی "آزادی هر فرد محدود به رعایت آزادی دیگران" است. که خود این جز انعکاس رقابت آزاد بازار در دنیای حقوق و سیاست نیست. همانطور که در بازار "رعایت آزادی دیگران" دست آخر به اینجا منجر میشود که سرمایه دار آزادانه نیروی کار کارگر را بخرد و او را استثمار کند، در عالم سیاست هم به این منجر میشود که رعایت آزادی دیگران به معنی رعایت آزادی سرمایه دار باشد. البته همانطور که رقابت آزاد و آزادی مبادله در قیاس با قوانین اقتصاد بسته و کنترل شده فنودالی یک پیشرفت بود، آزادی لیبرالی هم در قیاس با استبداد یک پیشرفت است. اما حقیقتا آزادی بشر نیست. آزادی بورژوازی بشر است. تازه آنها در کتاب. در دنیای واقعی سراسر تاریخ ۲۰۰ سال گذشته بشر عبارت بوده است از تلاش طبقه کارگر و توده های محروم جامعه برای گرفتن سهمی از آزادی اتفاقا به قیمت "محدود کردن آزادی" سرمایه دارها و دولتپاشان. اگر بشر به اراجیف لیبرالی گوش داده بودند، و "آزادی دیگران" را محدود نمی کردند، همین اندازه آزادی های محدودی را که مثلا در غرب مشاهده میکنیم، نداشتیم!

اصل ۶: در آن عبارت "برگزیده مردم" کلی راز و رمز وجود دارد. بجای بحث و جمل یک پیشنهاد الٹرناتیو: "آزاد" ترین مباحث پارلمانی به تصویب برسد، دست آخر فرض آن اقتصاد مبتنی بر خرید و فروش نیروی کار کارگر است. بنا بر این اگر کسی واقعا فکر آزادی است باید یک لحظه به این فکر بکند که این "هنجار" های جامعه این قوانین آهنین از کجا آمده است. وگرنه تقریبا همه حکومت های دنیا ملئمی اند (و ۹۰ درصد آنها درست میگویند) دارند در "حدود" قوانین و "هنجار" ها پدر مردم و آزادی شان را در می آورند!

اصل ۸: شوخی نفرمایید. یک حسن سرمایه داری این است که بر پایه آزادی خرید و فروش و مبادله شکل گرفته است. انعکاس این واقعیت طبقا این است که هر انسانی (چه کارگر و چه سرمایه دار) می آموزد که حداقل در چهارچوب اندیشه اش آزاد است که هر اندیشه ای داشته باشد. مشکل "داشتن" و "گزینش" اندیشه نیست. همانطور که در رابطه با اصل ۲ اشاره شد، مشکل عمل کردن به آن است که "سرزنش" و "تحقیر" و زنان و اعدا را می آورد. در ایران البته موضوع کمی فرق میکند. به لطف جمهوری اسلامی مهم نیست در مغز شما چه میگردد، شما مجبورید به چیزهایی اعتقاد نشان بدهید! اگر نویسندگان این منشور صلاقت و صراحت میباشند باید میگفتند: تحمیل هرگونه عقیده و مرام و مذهب به دیگران ممنوع است! هیچ کس نه دولت، نه هیچ نهاد دیگری (از جمله پدر و مادر) حق ندارد کسی را وادار کند که مراسم و مناسک مذهبی و ایدئولوژیک به جا بیاورد.

صفحه ۴

سینا مطلبی باید آزاد شود

گفتگو با نادر بکتاش



جوانان کمونیست: سینا مطلبی در سیاهچال رژیم اسلامی است. چرا او را گرفتند؟

نادر بکتاش: ببینید، در سطح پایه ای اگر بخواهیم به این سوال جواب بدیم باید بگوییم که دلیل خاصی برای گرفتن او وجود ندارد! همانطور که دلیل خاصی برای دستگیری پورزند و شیرین عبادی و نبوی و و هم وجود نداشت. بازداشت های چند سال اخیر - علی‌رغم تمام آزار و اذیت آنها برای آدمهای درگیر و نگرانی‌ها و زنان و فشارهای روانی - بیشتر به موش و گربه بازی می ماند و قبل از هر چیز استیصال رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد. خود را به مضحکه می‌کشند. می گیرند و می برند و زنان می‌کشند، بعد هم در اکثر موارد افراد می آیند و دوباره شروع می‌کنند به حرف زدن و اوضاع به همان منوال سابق پیش می‌رود. همه چیز هم رادیکال تر می‌شود. آدم‌ها احتیاج دارند که حرف بزنند - حال در مورد سیاست یا ادبیات یا سینما یا هر چیز دیگر - و شرایط و توازن قوا هم در جامعه به نحوی است که دیگر هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد. علی‌رغم نگرانیها

ویلاگ داشتن برای جمهوری اسلامی آزار دهنده است، برای هر دو جناح. تا زمانی که آدم‌ها در صف و تاکسی و میهمانی اعتراض و انتقاد کنند، می‌شود نشنیده و ندیده گرفت، اما وقتی اینها در جایی ثبت شود و به طور بالقوه این خاصیت را داشته باشد که در دسترس کمیت بالایی از خوانندگان قرار بگیرد ابعادی دیگر پیدا می‌کند. سینا مطلبی مطالب سیاسی اش را بسیار کم کرده بود و دنبال درگیری و دردسر نبود. به نظر من زود آزادش خواهند کرد.

امیدوارم که هر چه زودتر به نزد همسر و کودکش برگردد و این اتفاق کریه تاثیر زیادی بر او نگذارد.

جوانان کمونیست: امیدواریم که ایشان هرچه زودتر از زندان آزاد شوند، امیدواریم هیچ زندانی سیاسی وجود نداشته باشد، شما سینا مطلبی را چگونه دیدید؟ احساساتان چیست؟

نادر بکتاش: احساس من؟ آقای سینا مطلبی احترام مرا برانگیخت. نه به خاطر اینکه هم نظر من است، به این دلیل که صادقانه به اعتقاداتش پایبند بود و شریف بود و متین. این احساس این روزها بعد از گرفتن او در من ایجاد نشد. راستش من با ورود به عرصه ویلاگ نویسی با مطالب او آشنایی اینترنتی پیدا کردم. حقیقتش را بخواهید من نمی‌توانم جز با تمسخر و تحقیر از احزاب و رهبران اصلاح طلبی دو خردادی حرف بزنم. نه به این دلیل که اصلاح‌طلب هستند، دقیقاً به این دلیل

که اصلاح طلب هم نیستند. مشتکی حراف شیاد که خودشان را تحفه نظری می‌دانند که به مردم ایران هدیه شده. فاقد هر ارتباطی با واقعیت و آمال مردم و حتی خودشان. زندگی و اصلاحات برایشان نمایش و دکان است. به نظر سینا مطلبی یک آدم واقعی با عقاید واقعی آمد. با روش‌ها و عقایدش اختلاف زیاد و عمیق دارم، اما به صداقت و شرافتش احترام می‌گذارم. شناخت او باعث شد که از زاویه دیگری به پدیده دو خرداد، یا دقیق‌تر: تاثیر آن بر طیفی از جوانان ایرانی، نگاه کنم.

جوانان کمونیست: آقای بکتاش، نوشته های مسعود بهنود و ابراهیم نبوی را در مورد سینا مطلبی خوانده اید؟ اینها دارند سعی میکنند سینا را جزو نوچه های خودشان و مثلاً جوان آرام و سر به زبری" که تک خواستها و مطالبات جوانان را مطرح می‌کند" جلوه دهند. ایشان را همزاد و همراه "نیما راشدان" میکنند و دارند به رژیم اسلامی می‌گویند که این سینا به دردتان می‌خورد چرا او را گرفتید! آیا سینا مطلبی اینطور بود؟

نادر بکتاش: مسعود بهنود فاقد هر گونه پرسنپ اخلاقی است. برای ایشان تنها چیزی که اهمیت دارد این است که خوشایند قدرت حاکم باشد.

کسی است که در حالی که جمهوری اسلامی از کشته های مخالفین خودش پشته ساخته بود، گفت که این رژیم دمکراتیک ترین رژیم تاریخ ایران است. شاید شماری از خصوصیات سینا مطلبی

است، دست آخر باید از ولی ققیه و سلطان گدایی شود و توسط چنین نهادی "حفظ" شود. تحقق آزادی در ایران، حتی آزادی لیبرالی تنها از عهد خود مردم و در راس آنها طبقه کارگر برمی‌آید. اما حتی اینهم اگر سرمایه داری حفظ شود ناپایدار و شکننده خواهد بود. بزودی سلطان و ملا و ژنرال و رئیس جمهور مادام العمر" ی از جایی ظهور خواهد کرد و سر همان درجه آزادی را هم خواهد برد. در ایران این نه یک حکم تئوریک که واقعیت مسلم است که آزادی کار کمونیسم است. گرفتن آزادی و حفظ و گسترش آن بستگی دارد که چقدر کمونیسم، یعنی جنبش ساختن جامعه ای مبتنی

است، دست آخر باید از ولی ققیه و سلطان گدایی شود و توسط چنین نهادی "حفظ" شود. تحقق آزادی در ایران، حتی آزادی لیبرالی تنها از عهد خود مردم و در راس آنها طبقه کارگر برمی‌آید. اما حتی اینهم اگر سرمایه داری حفظ شود ناپایدار و شکننده خواهد بود. بزودی سلطان و ملا و ژنرال و رئیس جمهور مادام العمر" ی از جایی ظهور خواهد کرد و سر همان درجه آزادی را هم خواهد برد. در ایران این نه یک حکم تئوریک که واقعیت مسلم است که آزادی کار کمونیسم است. گرفتن آزادی و حفظ و گسترش آن بستگی دارد که چقدر کمونیسم، یعنی جنبش ساختن جامعه ای مبتنی

است، دست آخر باید از ولی ققیه و سلطان گدایی شود و توسط چنین نهادی "حفظ" شود. تحقق آزادی در ایران، حتی آزادی لیبرالی تنها از عهد خود مردم و در راس آنها طبقه کارگر برمی‌آید. اما حتی اینهم اگر سرمایه داری حفظ شود ناپایدار و شکننده خواهد بود. بزودی سلطان و ملا و ژنرال و رئیس جمهور مادام العمر" ی از جایی ظهور خواهد کرد و سر همان درجه آزادی را هم خواهد برد. در ایران این نه یک حکم تئوریک که واقعیت مسلم است که آزادی کار کمونیسم است. گرفتن آزادی و حفظ و گسترش آن بستگی دارد که چقدر کمونیسم، یعنی جنبش ساختن جامعه ای مبتنی

بر مالکیت اشتراکی بر ابزار تولید و دخالت فعال و تعاون همه انسانها در حیات اجتماعی، پیش برود. تحقق این آزادی واقعی صدار شدنی تر از نسخه های دست و پا شکسته اسلامی (و یا شاهنشاهی) آزادی محدود و ریاکارانه لیبرالی است. تا همینجا هم در صحنه سیاست ایران این جریان ما بود که اول بار "آزادی های بی قید و شرط سیاسی" را مطرح کرد، و در صف مقدم مبارزه برای وسیع ترین آزادیها ایستاده است. به جرت میتوان ادعا کرد مطالبات برنامه ما "یک دنیای بهتر" در باره آزادی های فردی و مدنی و اجتماعی و سیاسی از هر متن آزادیخواهانه دیگر کامل تر و همه جانبه تر و حقیقی تر است.

کاش زودتر بیاید و کاش
۵- اینجا مدرسه ای ابتدایی است معلم خرفت داره خودشو برای تدریس در جشنواره کشوری آماده میکنه؛ آخر میدانید اگر تدریس اون برنده بشه یک سکه بهار آزادی جایزه داره یعنی پنجاه هزار تومان؛ عوضش اشکالی نداره که حقوق واقعی شان رو پایمال میکنن؛ به یک سری از بچه هایی که خودش انتخاب کرده میگه هنگام تدریس اینکارو بکنید و با این عروسکها اینجوری که من میگم حرف بزنید؛ بچه ها دلشون میگیره میگن پس چرا اینجوری برای ما درس نمی‌دادید؛ و تو میدونی تو دنیای بهتر ژوبین همه صفحه ۵

اسلامی شرف دارد. حتی نیم آنچه که در سوئیس و آمریکا جاری است، گشایشی عظیم برای جامعه ایران خواهد بود. ولی همه مساله اینست که وجود امثال جمهوری اسلامی و اختناق و سرکوب در سرمایه داری های جهانسومی نظیر ایران روی دیگر سکه درجه ای از آزادی لیبرالی در غرب است. در ایران آن بورژوازی که ظرفیت و شرایط آنرا داشته باشد که حتی به اندازه بورژوازی آمریکا به پارلمان و دمکراسی غربی پایبند باشد و در عین حال سودهای فراوان به جیب بزند، وجود ندارد و جزو معجزات تاریخی است که بوجود بیاید. آزادی لیبرالی و غربی در ایران، همانطور که تاریخ صد سال اخیر اثبات کرده

برسه که باباش سرش تو کاسه ای نیست....
۲- اینجا مرکز خرید قائم تو میدان تجریش؛ کسانی که اینجا خرید میکنند مثل هر جای دنیا به رب اپول معروفن؛ قیمت لباسها و جواهرات و... سرسام آورده؛ در طبقه اول زنی یک جفت کفش میدزده و صدای هورای همه از طبقات مختلف توسط از ما بهترن؛ کل مرکز خریدو میگیره؛ فروشنده زن رو دنبال میکنه و زن کفشهای پاش جا میمونه و تو نمی‌دونی اگر دنیای بهتر ژوبین عزیز نبود الان کجا پناه می‌گرفتی.
۳- اینجا یک شرکت ساختمانی مربوط به حفر تونل و کانال زیرزمینی

اینکه حق دخالت در زندگی سیاسی و اجتماعی را ندارد. آنرا به پروسه تعیین تکلیف مومنین با خودشان واگذار میکرد. مادام که طبقات و استثمار هست، مادام که رنج و بی‌اطمینانی از آینده هست، مادام که انسانها اسیر "سیل حوادث" اجتماعی و نابرابری اند، مذهب هم به این شکل و یا آن شکل به حیات خود ادامه خواهد داد. انسان آزاد نیاز به مذهب ندارد.

سرنوشت آزادی در ایران

اما آیا همین تعابیر ولو الکن لیبرالی از آزادی در این منشور بهتر از این جمهوری اسلامی و ولایت فقیه اش نیست؟ چرا ده بار به جمهوری

می‌بینی کار غیردولتی دارن به ظاهرشون رسیده ان و بقیه نیز لباسی باب میل ادارات؛ مانتو بلند و رنگ تیره و مقنعه تو چشما؛ کت و شلوار مشدانه و گل وگشاد و آنهایی هم که مفلوکزترن تسبیح هم دارن .
۱- اینجا مرکز دانشگاه آزاداست؛ بدشنامی به دختری رو آورده و حراست دم درب ورودی ایستاده و بهش گیر میده خانم مانتوت رو شونه و چاک هم داره؛ دختر جیغ میکشه اگه مانتو منه به تو چه و تو چرا نامحرمو نگاه میکنی! واون کارت دانشجویی دخترتو میخواد که سوراخش کنه و بعد وقتی میفهمه که بابای دختر مدیر کل برنامه و بودجه اس. .. و تو میگی خدا به دادفلان دختر

صفحه ۳

"منشور آزادیخواهی"

— اصل ۹: ادیان اتفاقا نگرش اجتماعی انسانها را منعکس میکنند. اگر این دروغ رایج را ببینیم که "تفکر مذهبی در ذات بشر است" آنوقت به تعداد افراد مومن و خدا پرست کره زمین، خدا و آیین مذهبی میداشتیم. مذهب کاملاً پدیده ای اجتماعی است نه فردی. در طول تاریخ هم همواره بعنوان ایدئولوژی طبقه و یا طبقات معینی ظاهر شده است و تفسیر معینی از دنیا داده که معمولاً به نفع طبقات دارا و حاکم بوده است. باز اگر صداقت و جسارتی می بود باید گفته میشد: مذهب امر خصوصی آدمهاست. یعنی

از صفحه ۱

اینجا چی میگنره؟!

آخوندهای مرتجع؛ اونها می‌خواهند به هر قیمتی باشه بمانند؛ حتی اگه اون قیمت پوست انداختن اسلام محمدمی شون باشه؛ الان میفهمم که چرا موقع لغو حکم سنگسار قلم گرفت و ترسیمدم اما حالا مطمئنم که سنگ پای قزوین روشو از آخوندها قرض گرفته و اونها حاضرند که آمریکاییها با شورت تو تهران بگردن اما بمونن و براش توجیه مصلحت نظام رو دارند.

صبح که از خانه بیرون میزنی مردم رو زیر نظر داری بندرت قیافه شادابی میبینی؛ اکثر جوانهایی که

کشتار مردم و تخریب جامعه عراق بهمهرا لشکر فاتح جشن گرفتند. تبلیغاتشان زشت و ضد انسانی است. تماما ناسیونالیستی! مجاهدین به خاک ما حمله کرده‌اند، "مجاهدین، سربازان و مرزبانان ما را در عملیاتشان کشته‌اند"، "مجاهدین با دشمن کشور ما همکاری کرده‌اند"، ... تشخیص تفاوت سیاستشان در قبال مجاهدین از سیاست رژیم اسلامی کار دشواری است.

جوانان کمونیست: و پاسخ شما به ایشان؟

علی جوادی: توضیح ماهیت ضد انسانی و ارتجاعی این سیاستها و تقابل این سیاستها با خواستهای انسانی مردم. **جوانان کمونیست:** فکر میکنید مردم موضع سلطنت طلبان در قبال وضعیت مجاهدین را خوش دارند؟

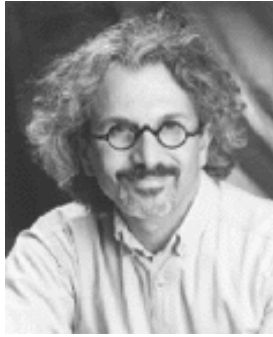
علی جوادی: کدام مردم؟ کسانی که تحت نفوذ تبلیغات مدیای این جریانها قرار دارند؟ اقلیت ناچیزی بیش نیستند.

مردم علی العموم انساندوستند. حس همدردی دارند. قادر به تشخیص موقعیت خطری که موجودیت فیزیکی افراد این سازمان را تهدید میکند، هستند. سلطنت طلبان با موضعگیریشان در قبال جنگ، با موضعگیریشان در قبال سرنوشت انسانی مجاهدین، هر چه بیشتر ماهیت سیاستهای ضد انسانی خود را به نمایش گذاشتند.

جوانان کمونیست: آیا سلطنت طلبان در چهره مجاهد رقیبی برای خود (از جهت نزدیکی با آمریکا) می بینند؟ **علی جوادی:** هیچ درجه از "زقبات" نمیتواند توجیه گر چنین سیاستهای ضد انسانی باشد.

جوانان کمونیست: سرنوشت مجاهدین در سیاست ایران چه میشود؟ **علی جوادی:** تا آنجائیکه به جنبشهای اجتماعی بر میگرده، مجاهدین کوچکترین نقشی در تحولات اجتماعی ایفاء نمیکند. مجاهد یک فرقه مذهبی است. برگ مذهب در سیاست ایران سوخته است. خمینی و اسلامیهستهای طوق این برگ را مصرف کردند. مردم ضد مذهب و ضد اسلامند. خواهان قطع نفوذ و سلطه اسلام از زندگی و دولت و جامعه هستند. طبیعتا اجازه نخواهند که هیچ نیرویی اسلامی و از جمله مجاهدین سرنوشتشان را رقم زند.

این شرایط جایی برای مجاهد در سیاست و جنبش مردم برای سرنگونی رژیم اسلام باقی نمیگذارد. مجاهد با مختصات تاکتونی‌اش نیرویی در مقابل خواستهای و مطالبات مردم است. سعی در راه آزادی و سعادت و خوشبختی مردم است. روزها و هفتههای آتی روزهای سخت و سرنوشت سازی در زندگی و تاریخ مجاهدین هستند.



علی جوادی

شرایط به مجاهد ارزش مصرف دیگری در نزد آمریکا می بخشد.

جوانان کمونیست: فکر میکنید کل این وقایع چه تاثیری بر فعالین و توده تشکیلاتی و هواداران مجاهد دارد؟

علی جوادی: در کوتاه مدت جو سپماتی و همدردی را با مجاهد افزایش میدهد و همبستگی درونی این فرقه را افزایش میدهد. در میان مدت و در دراز مدت بر عکس است. این جریان، اگر چیزی ارزش باقی مانده باشد، دچار بحران از هم پاشیدگی و زوال خواهد شد. مجاهد بمثابة یک جریان سیاسی در نزد مردم مدنیهست که تمام شده است. مجاهد بمثابة یک "سازمان سیاسی" خارج از جغرافیای عراق شانس چندانی برای تداوم و ادامه کاری ندارد. مجاهد بمثابة یک نیروی نظامی در محدوده جغرافیای عراق باید مطلوبیت و ارزش مصرف خود را برای ارتش آمریکا و انگلیس ثابت کند؟

جوانان کمونیست: شما در هفته اخیر در تلویزیون کانال ۱ طرف بحث سلطنت طلبان و دیگر مخالفین مجاهدین بوده اید که از سرنوشت تلخ آنها شادمان هستند، خلاصه بحث های اینها چه بود؟

علی جوادی: هیچ جریانی از این طیف راسا معامله و تهاجم نظامی نیروهای آمریکا به مقرهای مجاهدین را محکوم نکرده است. هیچ بخشی از این جریان ذرهای حس انسانی در قبال افراد و وابستگان این سازمان که در بدر و آواره هستند از خود نشان نداد. گویا بویی از انسانیت نبردهاند. بر عکس، احساس رضایت از این تحولات در چهرهشان موج میزند. از طرف دیگر پرچمهای آمریکا را به ماشینیانشان زدند و در پیروزی نظامی آمریکا و در

۷- اینجا درکه است؛ محیط با صفایی در شمال تهران که جوانها دسته دسته برای تفریح می آیند. تفاوت قشرهایی که تفریح می آیند تا کسی که ریواس و کنگر می فروشه و کارگری میکند وحشتناک فاحشه؛ انگار هر کدوم از یه کره آمده ان. حتی بین آدمهایی از دو قشر که

اسلامی نباشد، مسلما در خدمت اهداف این رژیم و توطئهای مستقیم علیه اپوزیسیون رژیم اسلامی بود. اما مقامات غیر رسمی انگلستان پرده از ماجرا برداشتند. آشکارا اعلام کرده‌اند که این بمبارانها ناشی از توافق و سازش آمریکا و انگلیس در قبال عدم دخالت جمهوری عراق بوده است. هدف این بمبارانها نابودی مجاهد نبود. ضرب شست نشاناندن، خلع سلاح و به تسلیم کشاندن آنها بود. به این هدف هم دست یافتند.

جوانان کمونیست: آیا مجاهد امکان دارد که اینبار به جای نزدیکی به عراق، با آمریکا نزدیک شود؟

علی جوادی: بنظرم باید پرسید آیا آمریکا حاضر است مجاهد را برای اهداف منطقی خود در قبال جمهوری اسلامی به بازی بگیرد؟ از مجاهد مانند نیروهای "گنترا" در مرزهای ایران استفاده کند؟ فشار وارد کند، امتیاز بدهد، امتیاز بگیرد؟ سؤال این است. اما تا آنجا که به این جریان بر میگرده، مجاهد بر حسب مصالح فرقه حاضر است برای کسب اعتبار نامه و پذیرش در این بارگاه به هر شکل و شمایلی در آید و به هر شرایطی تن دهد. برای مجاهد تغییر یونیفورم کار آسانی است. اما آیا آمریکا جایی برای مجاهد در مجموعه مشغلههای سیاسی خود خواهد یافت؟ پاسخ به این مساله به روند تحولات آتی در عراق و میزان نفوذ و دخالت رژیم اسلامی در این تحولات برمیگرده. این احتمال وجود دارد که آمریکا شغلی و جایی برای مجاهد پیدا کند؛ شاید برای مقابله با نیروهای حزب الدعوه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق؟

جوانان کمونیست: جمهوری اسلامی خواهان تحویل مجاهدین شده است، چقدر آمریکا ممکن است این کار را بکند؟

علی جوادی: بنظرم آمریکا قادر به چنین معامله کثیفی نخواهد بود. فضای بین المللی امکان چنین اقدامی را به آمریکا نخواهد داد. ما و نیروهای اپوزیسیون اجازه نخواهیم داد. چنین اقدامی مستلزم چرخش سیاسی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی است. اما تحولات عراق، سر بر آوردن ارتجاع اسلامی و نیروهای تحت الحمایه جمهوری اسلامی از جمله مجلس اعلای عراق و وقوع چنین معاملاتی را کمتر میکند. این

سر و کولش بالا میروند تا قرعه بنام یکی در آید؛ وقتی با آنها حرف میزنی میگویند شکر خدا بهار است و دیگر کار زیاد میشه. با یکی که خیلی فرتوت و شکسته شده و ازش می پرسی چند سال داری؟ دوستاش میگویند گوشش کر شده اما خیلی خوش شناسه و همیشه کار داره!

است، آمریکایی ها گفتند ما حمله کرده ایم مجاهد میگفت جمهوری اسلامی؛ چرا؟

علی جوادی: فرماندهی آمریکا در قطر رسما اعلام کرده است که "نیروهای موافقه" چند بار مقرهای این سازمان را مورد تهاجم قرار داده است. اطلاعات ما حاکی از آن است که علاوه بر اوپاش آدمکشان اسلامی نیروهای مزدور کرد نیز به مجاهدین حمله کرده‌اند. اما چرا مجاهدین فقط از آدمکشان جمهوری اسلامی نام میبرند؟ تنها یک واقعیت میتواند توضیح دهنده این جعل و تحریف واقعیت باشد. استراتژی خراج از این وضعیت ناهنجار و سیاست بقاء مجاهدین مبتنی بر بند و بست با ارتش آمریکا است. همین!

جوانان کمونیست: چقدر این خط سیاسی و در نتیجه اینگونه پنهان کردن واقعیت ادامه همان چیزی است که مجاهد را به اینجا کشاند؟ **علی جوادی:** این خط و روش سیاسی کاملا منطبق بر استراتژی مجاهد برای بقاء و کسب قدرت است. ادامه همان خط است، اما با محدودیتها و انتخابهای بسیار محدودتر و بهای بسیار سنگین تر. مجاهد در تلاطم این استراتژی، اگر چنین فرصتی داشته باشند، بدون تردید بهایی بسیار سنگین تری خواهند پرداخت. بقیه سازمان مجاهدین به مثابه یک سازمان نظامی به مجوز آمریکا نیازمند است.

جوانان کمونیست: رابطه آمریکا و مجاهد چطور است؟ از یکطرف ۱۵۰ نماینده مجلس از آنها دفاع میکند، از طرف دیگر دولت آمریکا آنها را با بمب میزند و در لیست "تورویست" قرار داده است؟

علی جوادی: سیاست رسمی هیات حاکمه آمریکا در قبال مجاهدین روشن است. "بمبها" بیانگر سیاست واقعی آمریکا در قبال مجاهدین است. وزارت خارجه آمریکا چند سالی است که سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت را در لیست سازمانهای "تورویستی" قرار داده است. (این سیاست یک چراغ سبز آشکار به جمهوری اسلامی است). اما مجاهدین نیرویی نیست که به این سادگی نا امید شود و این میدان مبارزه را خالی کند؟! در استراتژی مجاهد برای قدرت و بازی سیاست دول غربی و هیات حاکمه آمریکا قبله عالم سیاست هستند. کلید دار کعبه شان هستند.

جوانان کمونیست: به چه میزان بمباران اخیر مجاهدین به دلیل امتیاز دادن و معامله با رژیم اسلامی بود؟ **علی جوادی:** اگر هم ناشی از تبنانی آشکار با جمهوری آدمکشان

شریف کرد در آستانه سال جدید تبدیل دانشگاه آزاد اسلامی را از مرکز بزرگ به مرکز بسیار بزرگ تبریک می گوئیم) و زیر این تابلوهای بزرگ کارگرها بیکار کنار هم ایستاده اند از پیر و جوان؛ منتظر کارند. اگر کسی سر برسد و کارگر بخواهد مثل مور و ملخ از

در هفته گذشته بدنال حمله آمریکا به مجاهدین، حزب کمونیست کارگری به شدت در مقابل این واقعه و در دفاع از حقوق انسانی مجاهدین عکس العمل نشان داد. از جمله کوروش مهرسی لیدر حزب کمونیست کارگری نامه ای به کوفی عنان نوشت. مشروع این فعالیت ها را میتوان در نشریه آنترناسیونال هفتگی " و سایت روزنه مشاهده کنید. اینجا ما به وجوه سیاسی تجربه مجاهدین پرداخته ایم و سولاتی را علی جوادی طرح کرده ایم.

جوانان کمونیست: چرا مجاهدین خلق به اینجا رسیدند؟

علی جوادی: وضعیت مجاهدین حاصل سیاستهای تاکتونی این سازمان و محصول تبنانی ارتجاع اسلامی و دول آمریکا و انگلیس است. استراتژی مجاهدین برای کسب قدرت سیاسی متکی بر جلب حمایت نیروها و دول ارتجاعی غرب و بهره برداری از شکافهای ارتجاع منطقه استوار است. مجاهدین در این چهارچوب سرنوشت خود را به دستگاه صدام گره زدند. قمار بزرگی کردند و باختند.

جوانان کمونیست: به نظر شما خودشان نمی دانستند؟ همه ناظرین سیاست ایران متوجه آن بودند...

علی جوادی: هر ناظر سیاسی مبتدی میدانست که چه آیندهای در انتظار مجاهدین است. این موضوع سوزه مباحث متعددی بود. بخوبی میدانستند. ما هم به ایشان هشدار دادیم. اما در عوض با ایده کودتاه "امر به وظیفه" یا "امر به نتیجه" سر و کله زدند. ترجمه آن به زبان غیر فرقه‌ای یعنی یک "فروع جاویدانی" دیگر! نتوانستند صفوفشان را بسیج کنند. نتیجتا ایده خودکشی سیاسی و نظامی را به کناری گذاشتند.

اما اینکه آیا قادر و یا حتی متمایل بودند بخشی از نیروهای خود را در ماههای قبل از جنگ از عراق خارج کنند دیگر تماما در اختیار و کنترل خودشان نبود. تبدیل به بخشی از ابزار جنگی دستگاه صدام حسین شده بودند. اما اینکه هیچ اقدامی برای خروج وایستگان خانوادگی و افراد غیر سازمانی انجام ندادند، نشاندهنده بی ارزشی جان و حرمت انسان و کودنی سیاسی ذاتی این فرقه مذهبی است. مجاهد یک جریان غیر مسئول، نا بالغ، و غیر سیاسی است.

جوانان کمونیست: طی حملات دو هفته اخیر مجاهدین نگفتند آمریکا و "نیروهای موافقه" به آنها حمله کرده

از صفحه ۹

اینجا چی میگنره؟

معلمها بزرگن و عاشق و از سکه منتفرند.

۶- اینجا یکی از میدانهای شهر سندانج است؛ نوشته اند : (مردم

نامه های شما

با سازمان جوانان کمونیست تماس بگیرید. نظرات و پیشنهادتان را بر ایمان بنویسید. هیچ نامهای بی جواب نخواهد ماند. برای ارتباط با من میتوانید از آدرسهای پستی و شمارتلفنهایی که در این نشریه آمده است و یا از آدرس مایل bahram-modarresi@web.de استفاده کنید.

بهرام مدرسی

- دوست عزیز نیما کافی، نامعات به دستمان رسید. حتما سعی کن که منظما بر ایمان از اوضاع شهرتان گزارش بفرستی. برای نامهای جداگانه ارسال شد.
- دوست عزیز فریاد فریاد، همکاریت با سازمان جوانان کمونیست را تبریک میگویم. هر همکار یا عضو جدید سازمان جوانان کمونیست برای شروع کار میتواند که این سازمان را به

دوستان و اطرافیانتش معرفی کند و سعی کند که تعداد هرچه بیشتری را با خودش هم نظر کند. برای این میتوانید از همین نشریه جوانان کمونیست و یا برنامههای رادیویی سازمان که در همین نشریه اطلاعیماش آمده است استفاده کنید. سعی کنید که منظما گزارشاتتان از اوضاع آنجا و آنچه که جوانان و مردم میگویند را برای ما بفرستید. در رابطه با اقدامات مشخصتر نامهای جداگانه برای ارسال شد. بازهم بر ایمان بنویس.

- دوست عزیز ساناز، نامعات درباره نشریه شماره ۸۵ از طریق "گروه جوانان کمونیست در یاهو" به دستمان رسید. سعی کن که همیشه نظراتت را در باره نشریه بر ایمان بنویسی. همه خوانندگان را دعوت میکنیم که فعال تر در حیات نشریه دخیل شوند. همینطور از همه دعوت میکنیم که به گروه فوق که در یاهو دائر است بپیوندند.
- دوست عزیز حماد راد از تهران،

گزارشت در رابطه با نظرات مردم در مورد جنگ به دستمان رسید. حتما سعی کن که این کار را ادامه بدهی. فرستادن گزارشات منظما از محل زندگی و نظرات مردم برای ما اهمیت حیاتی دارد. ممنون و با امید گزارشات بیشتر.
- دوست عزیز آزاد حمیدی، کاریکاتورهائیتان به دستمان رسید ممنون. بسیار زیبا بودند. بازهم بر ایمان بنویسید یا طرح بکشید.

- دوست عزیز حسین از تهران، نامعات به دستمان رسید. نامهای جداگانه برای ارسال شد. با ما در تماس باش.
- دوست عزیز پیام آزادی از تهران نامه مفصلت به دستمان رسید. پیام در گوشهای از نامعماش مینویسد: "من یک جوان ایرانی هستم که یقین دارم اگر با حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست آشنا نمیشدم، معلوم نبود چه سرنوشتی در این رژیم جنایت و دیکتاتوری بر سر من میامد؟ این را بگویم که دیگر دوره ارتش و سپاه

کوروش مدرسی لیبر حزب به سوالات شما پاسخ میدهد

هر دوشنبه پانک اتفاق ایران - با کوروش مدرسی
ساعت ۹ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی (۱۱.۳۰ تا ۱۲.۳۰ شب به وقت تهران. ۴ تا ۵ بعدازظهر به وقت امریکای شمالی)
علاقمنان میتوانند سوالات و نظرات خود را از طریق ای میل نیز برای کوروش مدرسی بفرستند.
آدرس ای میل: koorosh_modarresi@hotmail.com

تو به سازمان جوانان کمونیست پیوندند. نامعجداگانگی برای ارسال شد.
- دوست عزیز سیما، نامعماشما به مصطفی صابر و نظرات تان در مورد نشریه ۸۶ به دستمان رسید. ممنون از محبتت نسبت به نشریه. بازهم بر ایمان نظراتت را بنویس. همانطور که می بینید نامه "بهر روز تهرانی" در شماره قبل مورد توجه دوست عزیزمان پرنیان نیز قرار گرفته و نامه مفصل او را چاپ کرده ایم. شما هم در این بحث فعالانه تر داخل شوید.

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.
Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-international.org

است. با این امید، پرنیان، ۲۰۳. ۸۲

به نظر میرسد که نامه پرنیان عزیز در ارتباط با نامه "بهر روز تهرانی" و پاسخ مصطفی صابر به او است (که در شماره ۸۶ به چاپ رسید). از خوانندگان دعوت میکنیم مثل پرنیان در این بحث شرکت کنند. (جوانان کمونیست)

با نقد و افشای جنگ هم در ابعاد انسانی و هم سیاسی آن، از یکسو در رادیوکالیزه کردن افکار عمومی مردم ایران، که در ابتدا و در اوان جنگ، با بیم و امید و تردید به حمله آمریکا به عراق مینگریستند، نقش تعیین کننده ای ایفا کرد و از سوی دیگر امروز که نتایج فاجعه آمیز جنگ بر همه آشکار شده، توانست نفوذ و محبوبیت وسیعتری در جامعه کسب کند. خلاصه کنم یکی از نتایج جنگ عراق انزوای بیشتر اپوزیسیون راست پرو غرب و نفوذ و محبوبیت بیشتر چپ و کمونیسم کارگری در ایران بود.

این سستی و سر در گمی نمیدانم به کجا کشیده می شود. یا شاید ما چون داخل ایرانیم و مرتب در معرض استرسهای مختلف نمی توانیم درست تحلیل کنیم و میشویم امیدوارتر بود. اما تنها امید ما در خصوص پیروزی حزب یک فرصت کافی برای تبلیغات و آشنایی جوانان با حزب بعنوان یک آلترناتیو قوی و هوشمند

مد نظر داشته اند. معلوم شد که بزعم این خشونت گریزان عزیز جنگ و در هم کوبیدن وحشیانه یک کشور و یک جامعه شیوه کاملا مجاز و مطلوبی برای تغییر رژیم است اما انقلاب و سرنوشتی حکومت بقدرت انقلابی مردم، خشن و مذموم است و باید به هر وسیله شده جلوی آنرا گرفت! به نظر من جنگ عراق مشتت سلطنت طلبان و سایر ناسیونالیستهای پرو آمریکائی را کاملا باز کرد و بیربطی آنان به خواستهای انسانی و آزادیخواهانه مردم ایران را بروشنی نشان داد.
در مقابل چپ و مشخصا حزب ما

ی دوستیه که برای جوانان کمونیست توسط اسد گلچینی فرستاده شده بود. در مثالهای مختلف نشانه های بارز از رسوخ فرهنگ غیرانسانی آخوندهای مرتجع در میان مردم دیده می شود و این معضلهها قطعا سد راه افراد رادیکال و مبارز خواهد بود برآستی وضع فلاکت بار مردم ایران غیر قابل توصیف است و با

را چگونه می بینید؟
حمید تقوایی: یکی از قربانیان جنگ عراق نیروهای سلطنت طلب ایران بودند. اینان با چنان شور و شعفی به استقبال جنگ رفتند و از تهاجم نظامی آمریکا حمایت کردند که امروز در اذهان مردم شریک جرم آمریکا محسوب میشوند. امروز جنگ تمام شده و روسیاهی به ذغال مانده است. دیگر بر همه معلوم شده است که وقتی نیروهای ناسیونالیست پرو غربی دم از مبارزه و مسالمت آمیز و پرهیز از خشونت و غیره میزدند تا چه حد در این ادعاهایشان صادق بوده اند و واقعا منافع مردم را

از صفحه ۵

اینجا چی میگنره؟!

تو باز نمی دونی اگر دنیای بهتر ژوبین نبود چطور آروم میگرفتی.

میخواستیم براتون از وضع اینجا بنویسیم؛ اما نمیدونم چرا مرثیه سربایی شد. مطالبی که نوشتیم در تایید نامه

از صفحه ۸

جنگ، آمریکا...

استیصال و تشدید بحران ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است. این مساله به نوبه خود زمینه تعرض و پیشرویهای بیشتر جنبش سرنوشتی در ایران را فراهم میآورد و جمهوری اسلامی را باز هم در موقعیت نامساعد تری در مقابل مردم قرار میدهد.

جوانان کمونیست: موازنه قوا بین جنبش های اصلی سیاسی جامعه ایران

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10
0044 776 110 66 83
0049 179 74 30 908
0046 736 50 80 40
001 416 688 5572
00905552048603
0046 70 48 68 647
0049 174 944 02 01
001- 416 434 15 45
fax:001 416 434 154 5

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: شیوا فرمند
انگلیستان: سرور ملائکه
آلمان: امید چوری
سوئد: آزاد خدری
کانادا: مهدی شهابی
ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی
مشاور دبیر: ثریا شهابی
آدرس پستی: Jawanan Postfach 620 515
10795 Berlin
Germany

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر
mosaber@yahoo.com
Tel: 001 604 730 5566

از این سایت ها دیدن کنید:
www.jawanan.org
www.m-hekmat.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.medusa2000.com
www.wpiran.org
www.childrenfirstinternational.org

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!